

جنگ روانی- قبلیغاتی

از وقتی که ک. مارکس و ف. انگلیس در "مانیفست حزب کمونیست" شعار "برولترهای جهان متحد شوید!" را پیش کشیدند، پیکار علیه مبارزه از طبقه کارگر و همه استثمار شوندگان آغاز گردید. با گذشت زمان این پیکار تشدید شد. پیروزی انقلاب اکتبر و ایجاد نخبتهای کشور سویالیستی، جهان را بدو جبهه سویالیستی و سرمایه‌داری تقسیم کرد. با گسترش دامنه سویالیسم به کشورهای دیگر نبرد ایدئولوژیک شدت یافت و رشد گنیش کمونیستی و کارگری نبرد علیه مخالفان بهره‌کشی انسان از انسان را وارد مرحله "نوینی" کرد. در سالهای اخیر ارتضاعی ترین محاذی امپریالیستی "جنگ سلیمانی" علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سویالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری در جهان سرمایه‌داری و نیز نهضت‌های رهاسی بخش ملی در "جهان سوم" را در مقیاس گسترده‌ای سازمان داده اند که با حدت هرچه بیشتر ادامه دارد.

البته مبارزه ایدئولوژیک، در چارچوب منطقی آن، میان طرفداران نظام سرمایه‌داری و هاداران سویالیسم علمی امری کاملاً طبیعی است. این مبارزه تعطیل بردار نیست. اما، جنگ روانی- قبلیغاتی مورد بحث ما، مبارزه ایدئولوژیک با بهره‌گیری از مبتدتلرین شیوه‌های است که در اتحاد نیروها را بعنوان وظیفه میرم برای ارکانهای قبلیغی و تربوچی معرفت می‌کند. می‌توانم عین از رشد آن است. از این دیدگاه، مامی توافق مرحل اول انقلاب را تعیین کنم. این نیز بدون شناخت جامعه و مجموعه شرایط اقتصادی سیاسی و اجتماعی آن ممکن نخواهد بود.

پانویم که بعده "مرکزی مسئله" مبارزه در راه اتحاد نیروها را بعنوان وظیفه میرم برای ارکانهای قبلیغی و تربوچی تعیین کرده است. بدون تردید ما باتمام قوادر این راه پیکار خواهیم کرد. باید خاطرنشان ساخت که این وظیفه فرد- فرد هواداران حزب، هم در داخل و هم در خارج از کشور، است. اسناد و مدارک مصوب ارکانهای عالی رهبری حزب، از کنفرانس ملی گرفته تا پلنومها، صریح و روشن است. شیوه ایدئولوژیک و ارکان مرکزی حزب کوشیده است تا در حد امکان جوانب عدیده احکام مصوب کنفرانس ملی و پلنومها را حللاجی کند. شیوه ایدئولوژیک سی کرده است با ترجمه اندیشه مطالب تئوریک مورد بحث در سطح نهضت کمونیستی و کارگری، رفاقت ایام‌اندیشه و تحلیل تجهیز کند. مجموعه این اسناد و مدارک و نشریات برای هواداران حزب این امکان را فراهم می‌سازد تا با هزاران دیگر سازمانهای انقلابی و دمکراتیک و متقد و میهنی از پائین تماش بگیرند و مواضع حزب را برای آنها روشن کنند. هدف فقطیکی است؛ روشکری برای تأمین همکاری. ما فقط با عده ایشان را بدهیم که به طبقه کارگر و حزب آن خیانت کرده اند و با شایعه پیراکنی و تهمت و افتراء و تحریف بیشتر مانه، تاریخ پرافتخار حزب توده ایران عملی در صفت واحدی با پلنوم کویان امپریالیسم و ارتیاع قرار گرفته اند، هیچگونه تماش نمی‌کنیم. البته چنانکه در قطعنامه پلنوم نیز تأکید شده است، حساب رفاقتی که بر اثر خیانت عناصر ضد حزبی دچار انفعال شده و یا مدتی با گروههای ضد حزبی همکاری کرده اند، کاملاً جداست. آنها، در صورت تماش می‌توانند به حزب بازگردند. پنجمین در ص ۲

در صفحات بعد

* نمودهای تازه سیاست جهان‌سالاری نوین در ص ۸

* قاضی محمد: من به مردم خیانت نمی‌کنم در ص ۲

بودجه ۶۷

نمودار اقتصاد بیمار و در حال احتضار

بودجه عبارت است از برنامه عمل دولت طی یکسال. در آمدها و منابع آن، هزینه‌ها و محل مصرف آنها و ...، همه در لایحه بودجه بازتاب پیدامی کند. بودجه شانگر روتون یا رکود اقتصادی است. بودجه می‌تواند تورم را و یا ضد تورمی باشد. بودجه می‌تواند الگویی برای توزیع عادلانه درآمد ملی باشد. البته، مجموعه آنچه که گفته شد، وقتی صادق است که دولت دارای برنامه دراز مدت رشد اقتصادی و اجتماعی باشد. در غیر اینصورت بودجه، که دوره عملکردش از لحاظ زمانی محدود است، فاقد اثربخشی خواهد بود، هیچ تاثیری در رشد اقتصاد نخواهد داشت و در چهت آشفتگی و ازم پاشیدگی امور سیر خواهد کرد.

با توجه به آنچه که گفته شد، لایحه بودجه سال ۱۳۶۷ را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



شماره ۳۰۰ دوره هشتم
سال جهانی مسنه شنبه ۱۹/۱/۱۳۶۷
بها ۲۰ ریال

قبلیغ و قرویج

بلنوم دیمه‌های وظایف مشخص گوناگونی در بر این ارکانهای قبلیغی و تربوچی مانند است. این وظایف از فرد - فرد کارکنان عرصه تبلیغ و ترویج می‌طلبد تا اختصاص اوضاع حاکم بر جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را در روند تحول پایانده اش عیقا بیاموزند. در کزارش هیئت سیاسی به پلنوم دیمه‌های که بعده "مرکزی"، ضمن بررسی انتقادی کار شعبه ایدئولوژیک، خاطرنشان می‌شود: "بهبود فعالیت تبلیغی و تربوچی حزب به کاردادم سیاسی و به دیگر سخن به آگاهی بیکثیر از مسائل و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و پژوهش و بررسی سیاسی-تئوریک دقیق و مهه جانبه آنهاهه منظور یافتن پدیده‌ها و روندهای گرایش‌های نوین در زندگی جامعه، در آرایش نیروهای گوناگون اجتماعی و بیانگران منافع آنها نیاز دارد". این نیز فقط در سایه "کار، کار پیکر و شاق" در مبارزه روزمره ممکن است.

هر توده‌ای، در هر مقام و در هر جایی که هست، باید به جهات گوناگون وضع اجتماعی- اقتصادی توجه کند. مسئله "بسیار مهم برای ماتدقیق بررسی ساختار طبقاتی در جامعه و در درجه اول ساختار طبقه" کارگر است. ما نمی‌توانیم لایه‌بندی در روساهای و یا وضع وزن پیشه‌وران و کسنه در شهرها را آنی از نظر دور داریم. البته ما آرایش طبقاتی جامعه را با اینها مورد بررسی قرار داده ایم. اما، این کافی نیست. زندگی در حال تغییر است. البته هر حال سکون نیست و نمی‌تواند باشد. همه چیز در حرکت و در حال دگرگونی و تغییر است. البته هر تغییر به معنی پیشوی نیست. دگرگونی و تغییر می‌تواند به پیش یا به پس و با خصلت متقدی و ارتجاعی باشد.

ما توده‌ایها باید با پدیده‌های مشخص - تاریخی برخورد مشخص و تاریخی داشته باشیم. تأکید مادر اسناد و مدارک رسی، پیرامون اهمیت خاص قائل شدن برای واقعیت‌های موجود در جامعه، برخاسته از جهان‌بینی می‌باشد. ماباید همیشه واقعیت را در شرایط زمانی و مکانی مشخص کنیم. اهمیت مراحت این اصل در آن است که آنچه پس از بررسی

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

قاضی محمد: من به مردم خیانت نمی‌کنم

"دیبلمات" های آمریکائی مستقیماً با آنان وارد مذاکره شدند و آنان را به سازش فراخواندند. هدف شاه و حامیان امپریالیست این بود که با فریب این پولادهای آهدیده چنین خلق کرد را منحرف سازند. اما حیله‌یشان کارگر نیفتاد. قاضی محمد با قاطعیت گفت: "من اهل دورنگی، و ریا نیستم و حقایق را آنطور که هست می‌بینم و خوب میداشم که شا از من چه میخواهد. راه و مسلک من روشن است. من به مردم خیانت نمی‌کنم و از راهی که دارم روی نمی‌پیچم". قاضی محمد سخن آخر را گفته و پدیده‌یشان بر حکم اعدام خود مهر تایید نهاده بود. صدر قاضی و سیف قاضی نیز چنین کردند.

رهبران چنین خلق کرد با چشان باز در هر ابر چوخه‌های تیره‌یاران ایستادند و مرگ را به زانو در آوردند. آری، از همان کاه قاضی‌ها زندگی چاودانشان را در قلب مردم آزادیخواه سرزین مآغاز کردند.

قهرمانان زنده‌اند
قهرمانان هماره زنده‌اند

۴۱ سال پیش، در سپیده دم ۱۰ فروردین ۱۳۲۶، قاضی محمد، صدر قاضی و سیف قاضی، رهبران حزب دمکرات کردستان، به جرم مهاره‌ی دلیرانه در راه حقوق خلق کرد و خود مختاری کردستان در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد، تیره‌یاران شدند. هنوز طنین فریاد رسای این شیر مردان خطه کردستان، این فرزندان بخون خفته خلق، سرتاسر خاک میهن را در می‌نوردد. شاه خائن و ارهاپان امپریالیست که دستهایشان تا مرتفع به خون خلق آذربایجان آغشته بود، ۴ هشت می‌اندیشیدند که با خاموش ساختن صدای قاضی‌ها، صدای خلق کرد را نیز خاموش خواهند کرد، اما نه صدای خلق آذربایجان و نه صدای خلق کرد خاموش نشد.

رهبران چنین خلق کرد، پس از بخون کشیده شدن چنین آذربایجان، در سال ۱۳۲۵، توسط مزدوران شاه به بند کشیده شدند. قاضی‌ها سه ماه زیربازجویی و شکنجه بودند. در این سه ماه، سه هار آثاراً مخفیانه به تهران فرستادند و

پس از هر کنار کردن زنرال نوریه کا می‌باشد یک دولت موقت به ریاست اریک آرتور دلوالیه، رئیس چهور بیشین، زمام امور را پدست گیرد و با انجام اصلاحاتی در چارچوب هدفهای استراتژیک آمریکا انتخابات سال ۱۹۸۱ را تدارک پیشند.

در هفته‌های اخیر همه مردم چهان شاید بودند که امپریالیسم آمریکا با چه وقاحتی دارد این پرنامه دخالت در امور داخلی پاناما را در دیقتا تعقق می‌پندارد و استقلال و حق حاکیت این کشور را لگدمال می‌کند.

امپریالیسم آمریکا هنوز از دوران زمامداری زنرال عمر توریخی، فرمانده بیشین نیروهای مسلح پاناما که بیان تازه مربوط به کانال پاناما را به دولت کارترا تحمیل کرد و هفت سال پیش به گونه‌ای مشکوک در سانچه هوائی در گذشت، نهیت به نیروهای مسلح این کشور که بیرون شدند تا به تودهای خلق دارد خشمگین است و همیشه کوشیده و میکوشد پکیک قشرهای مرغه‌تر چاهمه تسلط مطلق امپریالیستی خود را در این کشور مانند اکثر کشورهای آمریکای مرکزی برقرار سازد.

پاناما که پس از عمر توریخی دیگر گونی به سود تودهای خلق را کم کم کنار گذاشت، اکنون به گروگان کامل اقتصادی امپریالیسم آمریکا تهدیل شده و احتمال اندکی میرود که بتواند در هر ابر فشار پیش از اندازه اقتصادی و سیاسی و نظامی دولت آمریکا تاب بپارود. الهته هرای خلق پاناما این تنها به معنای شکست دریک نهاد خواهد بود ولی نهادهای دیگر و پیکار در راه آزادی، استقلال سیاسی و اقتصادی پاناما بدون تردید همچنان ادامه خواهد یافت.

تبليغ و ...

گروه دیگری که پلنوم کیته "مرکزی بحث و مذاکره با آنان را جایز نشمرده است، عمال و سپهبدگان امپریالیسم هستند که زیر چتر طرفداری از رئیس سلطنتی فعالیت می‌کنند. مناسبات با نیروهای انقلابی، دمکراتیک، متفرقی و میهنه بر پایه "دیالکتیک اتحاد و انتقاد استوار است. به بیان دیگر هدف از دعوت ما به نشست در پشت میز مذاکره روش کردن مسائل مورد موافقت به منظور تامین وحدت عمل و با اتحاد بر اساس آنهاست. در مسائل مربوط به ایدئولوژی و جهان بینی و با برخورد ناصحیح به این یا آن مسئله، مهم داخلی و خارجی اصولی جای هیچگونه سازشی نیست و مبارزه "თئوریک و منطقی دور ازتهمت و برچسب زنی باید ادامه باید. به باور ما حقیقت می‌تواند در نتیجه" برخورد نظرات گوناگون متبادر گردد. مبلغان حزبی باید به این نکات توجه کنند.

پلنوم کیته "مرکزی، پیکار مستمر در راه آزادی زندانیان سیاسی و علیه شکنجه و اعدام، مبارزه در راه آزادیهای دمکراتیک و علیه زیر پا گذاردن حقوق بشر در درج ۱. را از جمله وظایف تبلیغی حزب شرده است. در قطعنامه گفته می‌شود، "حزب ما باید هر نوع دستگیری و شکنجه و اعدام با محتواهای سیاسی را با قید اختلاف نظر ما با افراد تحت پیگرد (در صورت وجود چنین اختلافهایی) محکوم کند. اینکونه موضعگیری به هیچ روحه معنی دفاع از نظرات سیاسی این یا آن گروه نبوده و نیست، بلکه مبارزه در راه مراجعت آزادیهای دمکراتیک در جامعه برای همه "نیروهای سیاسی است.

این مصوبه "پلنوم دارای اهمیت زیادی است. حزب توده" ایران از آزادیهای دمکراتیک در مجموع خود و از آزادیهای برای همه "افراد جامعه و کلیه" نیروهای سیاسی بدون استثنای دفاع می‌کند. در این مورد برای ماهیج مسئله‌ای جز مبارزه در راه آزادیهای دمکراتیک مطرح نیست. این رهنود سیاسی پلنوم ماید برای آن گروه از نیروهای سیاسی که آزادی را فقط برای خود جایز می‌دانند و حزب توده" ایران را مستثنی می‌کنند، سرمنت باشد.

همه "مبلغان حزبی" در هر کجاکه هستند، باید بدون انتظار "دستور" از بالا این مصوبه "پلنوم را اجراء کنند و در هر مورد مشخص از خود عکس العمل نشان دهند.

در قطعنامه "پلنوم مواد مشخصی پیرامون وظایف تبلیغی و ترویجی حزب به تصویب رسیده است. همه "کارکنان عرصه" ایدئولوژیک و تبلیغی و ترویج حزب باید این مواد را در برنامه "فعالیت جاری خود" بگنجانند. کار تبلیغی و ترویجی ماید حول این نکات مهم تعریف کردد. این کاری است بر مسئولیت و در عین حال کسرتده و انجام آن از عهده "عده" قلیلی ساخته نیست. به معنی سبب شعبه" ایدئولوژیک از همه" هواداران و دوستداران حزب، در داخل و خارج، می‌خواهد تا در شهر بخشتر کردن تبلیغات ما را یاری گرفتند. کار تبلیغی ما علیه نظام "ولايت فقهی" در ارتباط تنکاتنگ با آگاهی کسرتده از مسائلی است که در درون جامعه

نmodهای قازهٔ ۰۰

می‌باشد پیش از انتخابات عمومی پاناما در سال ۱۹۸۱

طراحان سند، ضمن پیش‌بینی تغییرات احتمالی چنین هر اثر سیر حادث، در مجموع

تصویبه‌های زیر را کرده پویند:

زنرال نوریه‌گا - فرمانده نیروهای مسلح پاناما را به ترتیب پایدمجهور کرد تا او ایل آوریل سال ۸۸ از مقام خود کفاره‌گیری کند و رهبری را به افسران و فادار به ایالات متحده آمریکا واگذارد.

در پخش اقتصادی" این پرنامه تصویبه شده بود که هر گونه کمک مالی اقتصادی به پاناما قطع شود تا منجر به سقوط چشمگیر تولید و بازاریستادن فعالیت پانکها در این کشور گردد و در نتیجه سرمایه‌ها از کشور فرار کنند والی آخر.

در عین حال سفارش شده بود که گفتگوهای پنهانی با رهبران اپوزیسیون راست ادامه باید، بدون اینکه هیچیک از آنان از تامی مواد این پرنامه آگاه گردد. آخرین تصویب این بود که فعالیت های خرابکاران را در دخالت داشتن در تجارت مواد مخدور همراه باشد.

جریان دارد. در این راستا، ما از همه" رفقای خبرنگار هم در داخل کشور و هم خارج از مرزهای آن، البتة در درجه" اول از هسته‌های حزبی که در شبکه‌های اخلاقی و اختناق با جمیع آوری و رساندن اخبار پسیار جالب و دست اول با "نامه" مردم" همکاری تنکاتنگ دارند، صیمانه تشكی می‌کنیم. ما امیدواریم که چارچوب اینکونه فعالیت داوطلبانه هر چه بیشتر گسترش بیاید.

مسئله‌ای که نمی‌فهم

هم تبلیغی برای نظام عزیزان بود که دنیا بپیند ما خودمان با اینکه در جنگ هستیم و حتی یک قدم حاضر به عقب نشینی در جبهه نیستیم، کمیته "صلح" داریم. مقدمات این دیدار فراهم آمد و قرار شد من سخنرانی کنم. سخنرانیم مهد جانبه و کامل تنظیم شده بود. بدین ترتیب که با بیان تاریخچه "فصلی از جنگ تحریلی آغاز شد. و با شرح کامل سیاست فعلی دولت ج. ا. در مورد جنگ ادامه یافت. در آن سخنرانی خاطرنشان ساختم که صلح در منطقه چه اهمیت حیاتی برای ما دارد و درست برای همین است که ما با تمام قدرت می‌جنگیم تا این صلح به منطقه باز گردد. صلح به نظر ما پس از پیروزی کامل، یعنی کشتن آخرین نفر و نابودی آخرین سنگر دشمن جنایتکار بدست می‌آید. پس از آن هم صلح زمانی برقرار می‌ماند که قدس عزیز از چنگال اربابان صدام یعنی امرائیل و آمریکا آزاد گردد. اهمیت دادن ما به صلح را با خاطرنشان ساختن کنکهای بی دریغ مالی و معنوی دولت به مبارزان افغانی در چهت برگرداندن صلح به کشورشان توضیح دادم. پس از پایان سخنرانی و همچندن پایان ترجمه توسط مترجم برای شایندگان هیئت‌های حاضر، در چهره "آنها دقیق شدم و تأثیر حرفاها را به وضوح دیدم و دیدم که چگونه هاج و اوج با داهنایهای باز به یکدیگر می‌نگریستند و حتی یک کلمه بزرگ نمی‌آوردند.

بعد از رفتن آنها وظیفه "خود داشتم که کزارشی مبسوط از اولین فعالیت "کمیته" صلح خدمت امام تقیم کنم. بعد از دادن همان کزارش بود که بدبختی به من و سایر اعضاء" کمیته روی آورده.

فردای آن روز من و باقی اعضاء" کمیته" صلح را به زندان اندختند و امروز حدودیک سال است که در زندان بسی می‌بریم. از باقی اعضاء" خبری ندارم ولی علت زندانی شدن مرا "فعالیت برای صلح در مملکت اسلامی در حال جنگ" ذکر کرده‌اند. شما بکویید آیا من مستحق زندان هستم؟ مطمئناً نه. پس حتماً مسئله‌ای است که من نمی‌فهم.

شا چوانان هنوز عمق فاچعه را آنطور که باید احساس نکرده باشد. این وضع را شوخی تصور نکنید. کارتان پسیار پسیار مشکل است و احتیاج به هوشیاری و نیروی پسیار دارد. شما باید بدانید که چه بر سر چامعه دارد می‌اید. ما رفتنی هستیم، ولی شما باید بهوش باشید... پیرمرد همنیطرور یکریز صحبت می‌کرد. انتکار نه انکار که شنونده‌ای دارد، کوئی برای خودش حرف میزد. غم سنگینی در چهره‌اش موج می‌زد. گوئی زخمی بزرگ در وجودش سر باز میکرد. گاهی مکث می‌کرد، به فکر فرو می‌رفت. دوباره سخن کفتن آغاز می‌کرد. چوانها مجدوب حرفاهاش شده بودند. اتوهون‌ذر سکوت فرو رفته بود و همه کوشها بطرف او بود. او که پیش از هفتاد سال درد و تجربه را با خود همراه داشت...

آن در جهت بی اثر ساختن تبلیغات دشمن را متذکر شدم. امام مرخص فرمودند و دوروز بعد نامه‌ای به خط بزرگوارشان به دستم رسید که در آن نامه مرقوم فرموده بودند: "باشد". و امضای آن بزرگوار در زیر آن به چشم می‌خورد. تسبیار مسرور گشتم و به خود بالیدم که امام به خشن صحة گذاردند.

همانطور که به فکر قدمهای بعدی در راه ساختن "کمیته" صلح "بودم، فرمان امام را بار دیگر خواندم: "باشد". لحظه‌ای دقیق شدم و با خود تکرار کردم: "باشد". فکر کردم باشد که چی؟ باشد کمیته" صلح را درست کنید. بی‌آش و بی‌آشید. شک و دو دلی درونم قوت گرفت. اندیشیدم نکند که امام نخواسته اند رساناراحت کنند و چنین جوابی داده‌اند که هم مستقیماً "نه" گفته، و در عین حال جواب مثبت هم نداده باشند. روز شرفهای را از نظر گذرا ندم و لی از یادآوری حالت‌های امام هیچ چیز دستگیرم نشد. مستحصل شدم. به خاطر رسید که نامه "جوابیه" امام را به بعضی از سران مملکتی نشان دهم شاید آنها به این امر وارد تر باشند. همین کار را کردم. عده‌ای گفتند مفهوم آن این است که، باشد کمیته" صلح را درست کنید و عده‌ای نظر دادند که این باشد به معنی "بماند برای بعد" است. داشتم کلاف می‌شد. دیگر نمی‌شد حضور امام رفت و از خود ایشان در مورد مفهوم جوابشان پرسید که نغذو بولله این دیگر عین کفر گفتن است.

بالاخره در عالم کلنجار رفتن با خود، جنبه" مثبت جواب رهبر ایرانگریدم و کارشروع شد. در حوزه "اموریت" در پادگان مذکور عده‌ای از امرای ارش و روحانیون لبیک گربان به کمیته پیوستند و بعد مقدمات کار فراهم شد: دفتری و تابلو با آرم مخصوص و بالآخره پی‌ریزی برنامه‌ها با مدتهاز دور و تزدیک.

آن روزها روزهای بود که هیئت‌های مختلف از کشورهای گوناگون، جمعیت‌ها و سازمانهای جهانی یکی پس از دیگری می‌آمدند و در مورد صلح پیشنهادی ارائه می‌دادند و بعد از چند جلسه مذاکره با سران مملکتی و شنیدن جوابهای دندان شکن در برابر پیشنهادات باصطلاح صلح طلبانه‌شان به کشورهای خود باز می‌گشتند. کمیته" ماه مقصیم گرفت دیداری با یکی از این "هیئت‌های صلح" داشته باشد. هم اولین کار جدی کمیته به حساب می‌آمد و

سال گذشته بود. فتوای امام مدظله‌العالی مبنی بر اینکه: "اممال را باید سال پیروزی بر صد امیان کافر کنیم" فضای میهن اسلامی را پر از عطر پیروزی و غور صدور انقلاب اسلامی کرده بود.

دهم پس از هر فتوای امام نشخوار کلمات که بر آن وجود بزرگوار را آغاز می‌نمود - اگر چه بزرگی آن حرفا در مغز کوچک من نمی‌کنجد و شاید سالها تحقیق و تفحص طلب می‌کند - بزرگوار که در دریا و سیع مقاهیم "سخنان گهره" بود، فکر مانند خوره بر جان و دهنم پنجه اند اخوت و آن این بود که حقاً بعد از فتوای امام بوق‌های شرق و غرب دوباره به کار خواهند افتاد و خواهند گفت که جمهوری اسلامی ایران جنگ طلب است و قصد کشور کشایی دارد و در تدارک یک حمله "بزرگ است و این مزخرفات و برخلاف آنکه گفته اند" عقل مردم چشمشان است" این بار عقل مردم گوششان می‌شود و اکثر آنها باورشان خواهد شد که دولت جمهوری اسلامی جنگ طلب است. البته منظور از اکثر آنها، اکثر مردم کوچه و بازار است نه همه" مردم، که این باشده به معنی "بماند برای بعد" است. داشتم با خود گفتم حاج خرب! باید اندیشه‌ای کنی و عملی، تا بوقها خنثی شوند و خدای ناگرده خاطر امام مکدر نگردد و موجودیت نظام در خطر تبلیغات سو" نیقتند و مردم به گمراهی نروند.

من که رئیس دایره" سیاسی ایدلولوژی پادگانی در یکی از شهرستانها بودم و در رفت و آمد با نظامیان و آزموده" تفکر در باب مسائل مربوط به جنگ، بعد از اندیشه‌ای عیقق در مورد پیش‌بینی قریب الوقوع و اینکه هر چه زمان می‌گذشت به رایزنی با چند تن از امرای ارشت شخصاً طالب دیدار با امام شدم.

نزد امام از توضیح اندیشه‌ام در معنای تبلیغات سو" استکبار جهانی کوتاهی نکرد و با وجود آمیخته‌ای که از شرم و ترس در وجود داشتم، مذاکره" پایانی این تبلیغات را می‌اعتباری فاخت. مذکور شکن در برابر پیشنهادات باصطلاح صلح طلبانه‌شان به کشورهای خود باز می‌گشتند. کمیته" ماه تصمیم گرفت دیداری با یکی از این "هیئت‌های صلح" داشته باشد. هم اولین کار جدی کمیته به حساب می‌آمد و

قانون هرگز که "مرام اشترانکی" داشت به ۱۰

سال زندان محکوم می‌شد. او از آن زمان‌ها حرف می‌زد که چطور انسان‌های یاک و شریف، انسان‌های مهارزی که از چور و ستم رضاشایه به پیشنهادی ارائه می‌دادند و بعد از چند جلسه به زندان می‌افتادند و شکنجه می‌شدند. او به تلخی از آن ایام یاد می‌کرد. اما پیرمرد در همان مقطع زمانی توقف نکرد. او گفت ستم ستم است، فرقی نمی‌کند، چه در دوران رضا شاه و چه در دوران خمینی. امروز تاریکی گریبان همه مردم را گرفته است. در هر مکان که مردم را می‌کوشید پختنداند. لا بلای کلام طنز آمیز پیرمرد واقعیت‌های تلخی نهفته بود که شنونده را به فکر و امیدداشت. پیرمرد سخنور خوبی بود. بتدربیچ چندهای شوشی صحبت‌ش چای خود را به چندهای چدی داد. از سال ۱۳۶۰ صحبت کرد. وقتی به عنوان کارگر هنا به تهران آمد و در طول زمان معمار شده بود. او از قانون سیاه رضا شاهی سخن گفت. یکی از جوان‌ها پرسید: قانون سیاه چی بود؟ پیرمرد گفت: مگر شما تاریخ نمی‌خوانید؟ سپس توضیح داد که بر اساس این

پیرمرد سخن می‌گفت

اتپوس مملو از چمیعت بود. چوان‌ها سرپریز پیرمردی می‌گذاشتند که می‌گفت و می‌خندید و می‌کوشید پختنداند. لا بلای کلام طنز آمیز پیرمرد واقعیت‌های تلخی نهفته بود که شنونده را به فکر و امیدداشت. پیرمرد سخنور خوبی بود. بتدربیچ چندهای شوشی صحبت‌ش چای خود را به چندهای چدی داد. از سال ۱۳۶۰ صحبت کرد. وقتی به عنوان کارگر هنا به تهران آمد و در طول زمان معمار شده بود. او از قانون سیاه رضا شاهی سخن گفت. یکی از جوان‌ها پرسید: قانون سیاه چی بود؟ پیرمرد گفت: مگر شما تاریخ نمی‌خوانید؟ سپس توضیح داد که بر اساس این

جنگ روانی

همیشه "حزب توده" ایران را از صحنه سیاسی کشور کنار بگذاردند. آنها، حتی با صحنده سازی، حزب ما را "منحله" نیز اعلام داشتند. اما نتیجه چه بود؟

حزب توده ایران در فاصله زمانی کوتاهی زخمی و اواره را التیام بخثید و با وجود توپه دشمنان با تمام قدرت در عرصه پیکار قد علم کرد. هزاران توده ای فداکار در داخل و خارج دست در دست یکدیگر نهادند و پاین دنادن شکن به ارتقای امپریالیسم دادند. البته، در این میان جمعی کوچک نیز در صفا واحدی با دشمنان طبقاتی ماقبل ارگفتند و بحق از صفو حزب کنار گذارده شدند.

باید متذکر شد که ساوکیهای در خدمت جمهوری اسلامی و اربابان آنها در "سیا" و "انتلیگنس سرویس" و...، بخوبی می دانستند با زندان و شکنجه و کشتار نمی توان در اراده "پولادین" توده ایهای صادق خلی وارد آورد. توده ایهایارها از این بوته آزمایش سبلند بیرون آمدند. آنها را گروه - گروه به جوخه های اعدام پیرده اند، در سیاه چالهای به مرگ تدریجی محکوم کرده اند و زیر شکنجه به هلاکت رسانده اند، اما جنایات رژیمهای استبدادی مانع از روی آوری هزاران جوان از جان گذشتند به حزب نشده است.

حزب توده ای مارانمی توان، نه با کشتار جمعی و نه با جنگ روانی - تبلیغاتی "از بین برد". تاریخ جنش کمونیستی و کارگری ایران که حزب ما وارث بحق آن است، با تاریخ نهضت رهایی بخش خلقهای ایران، طی هفتاد سال اخیر گره خورده است. هیچ نیروی قادر نیست تاریخ عاصر ایران را از تاریخ حزب کمونیست ایران و ادامه دهنده راه آن، یعنی حزب توده ایران، جدا کند. رژیم ضد خلقی خوبی هم پس از گذشت زمان به این حقیقت پی برده است. توسل ارگانهای جاموسی رژیم به انواع شوههای کثیف جنگ روانی - تبلیغاتی علیه حزب ما نیز از اینجا نشأت می کبرد.

"وزارت اطلاعات" و دیگر نهادهای جاموسی رژیم برای وارد آوردن "ضربه" جدید به حزب می کوشند مزدوران خود را بدورن حزب رسخ دهند. طبق اخبار موافق، برای اینکار افرادی را نیز آموزش داده اند. عده ای از آنها در اروپای غربی و آمریکا تمرکز شده اند. علاوه بر اینها، افرادی که در گذشته در اروپای غربی با "ساواک" هکاری می کردند، بار دیگر زیر عنوانی مختلف به خرابکاری مشغول شده اند.

تشدید فعالیت حزب در داخل، رژیم را سخت نگران کرده است. چنانکه در گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته "مرکزی نیز خاطرنشان شده، وزارت اطلاعات" گروه و پیوه ای را برای کشف هسته های حربی تعیین کرده است.

رژیم ضد خلقی خوبی ساکت نشته است. ارگانهای جاموسی رژیم با دستگاههای مشابه دول امپریالیستی در خارج از کشور در ارتباط تراویح عمل می کنند. جمع آوری اخبار مربوط به فعالیت طبق "کانتن" مزدوران خود در درون حزب، شایعه پراکنی، پیارانش، این تصور خام را در روانی - تبلیغاتی علیه حزب، استفاده شد. بیدادگاههای شرع با سرعت بسیارهای احکام اعدام و زندانهای دراز مدت صادر کردند. موارد اتهام تازه کی نداشت؛ "جاموسی"، "وابستگی و فرمانبری"، "براند ازی" و... خوبی و پیارانش، این تصور خام را در مخیله "علیل خود می پروراندند که گویا با وارد آوردن "دو ضربه" ناگهانی موقن شده اند" برای

خود، نه تنها توانست در بر این بیرون گشترده مقاومت کند، بلکه نفوذ خود میان توده های محروم را کشته شد. این امر رژیم را بحث انداخت.

تاجایی که مثلا در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، محمد علی رجائی، نخست وزیر وقت رژیم، در سینما مسائل و مشکلات کار و کارگری، هراس رژیم از نفوذ حزب مادر میان کارگران را با این "شدادر" بیان کرد؛ "در محیط های کارگری ما، گروهها و عنصری مستند که از انقلاب ضربه خورده اند که من از حزب توده" (ایران) نام می برم و از تمام برادران و خواهرانم می خواهم که به این گروهها، بخصوص حزب توده" (ایران) توجه خاص داشته باشند". او هم، مانند دیگر یاران خود به تهمت و افتراء متول شد و گفت؛ "اینها کسانی هستند که مستقیماً از خارج از کشور دستور می گیرند..." ("اطلاعات" ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰).

هاشم رفیجانی برای آرام ساختن امپریالیسم آمریکا، که از کسترن نفوذ خرب توده" ایران سخت نگران بود، در مصاحبه "مطبوعاتی" با شرکت خبرنگاران خارجی اظهار داشت؛ "حزب توده... نمی تواند در ایران مقولیت پیدا کند و اینکه می گویند اینها نفوذ دارند دروغ است" (اطلاعات ۱۲ آبان ۱۳۶۱).

مرتضی نبوی، وزیر مخابرات وقت در مصاحبه با مجله "پیام انقلاب" درباره "سفرش به ترکیه" گفت که در ملاقات با نخست وزیر ترکیه، او "واعنمود می کرد که احتمال یک خلی از جانب توده ایها وجود دارد، مابرای آنها توضیح دادیم که... هیچگونه خطری از این جانب نمی تواند مارا تهدید کند..." ("پیام انقلاب" شماره ۵۴، سال ۱۳۶۰).

مامی توانیم ده همانمود از این قبیل در اثبات وحشت سران جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی از کسترن نفوذ خرب در جامعه ارائه دهیم. اما، بقول معروف، مشت نمودن "خروار است. در ادامه" این روند، از آنجا که تبلیغات ضد توده ای ازربخشی خود را از دست داده بود، رژیم نقش "پیوش فاشیستی به حزب توده" ایران را بموقع اجراء کناره دارد.

اکنون، پس از انتشار مدارک انکار نایابی در رسانه های گروهی جهان، همه می دانند که "سیا" و دیگر سازمانهای جاموسی امپریالیستی و صهیونیستی در سازمان دادن پیوش فاشیستی به حزب ما از هیچ کمکی به ارگانهای جاموسی ج. دریغ نورزیدند. هدف ارتقای و امپریالیسم عبارت بود از اصطلاح "ریشه کن کردن نفوذ خرب در جامعه". برای دستیابی به این هدف، ده هزار توده ای را روانه سیاه چاله اکنون کردند.

دزخیمان ساوکی در خدمت رژیم دست بکار شدند. از انواع شکنجه های "نقی" و "مدون" برای گرفتن "اعتراف" بمنظور تشید جنگ روانی - تبلیغاتی علیه حزب، استفاده شد. بیدادگاههای شرع با سرعت بسیارهای احکام اعدام و زندانهای دراز مدت صادر کردند. موارد اتهام تازه کی نداشت؛ "جاموسی"، "وابستگی و فرمانبری"، "براند ازی" و... خوبی و پیارانش، این تصور خام را در مخیله "علیل خود می پروراندند که گویا با وارد آوردن "دو ضربه" ناگهانی موقن شده اند" برای

سازمانهای چاسوسی و امنیتی امپریالیستی و ارتقای عبارت است از تلاش برای "کاشتن" مزدوران خود در این یا آن حزب انقلابی و سازمانهای صنفی متفرقی. رسانه های گروهی جهان تا کنون، با راه ای اسناد و مدارک بسیار، این شیوه را فاش ساختند. در این زمینه، بیویه هدف هم جاموسی و خبرچینی وهم کوشش برای ایجاد اختلاف از طریق خرابکاری ایدئولوژیک - سیاسی و در صورت امکان، منفجر ساختن این یا آن حزب و سازمان صنفی از درون است.

امپریالیسم و ارتقای کوشیده اند از این شیوه های موقع خود در مورد حزب مانیز استفاده بعمل آورند. استان خلیل ملکی و شهریاری دونمنه "بارز از گذشته" نه چندان دور است. اما، در هر دو مرد یاد شده، دشن نتوانست به هدف خود، یعنی اتفاقاً حزب از درون دست پاید. اما، آیا این ناکامی به توطئه های رنگانگ امپریالیسم و ارتقای علیه حزب مایايان داده می داد. ما

بموقع خود اسامی برخی از مزدوران رسخ کرده به صفو حزب را منتشر ساختیم.

حزب توده" ایران همیشه خاری در چشم دشمنان سوگند خورده "خلقهای ایران بوده و هست و خواهد بود. تلاش های ارتقای داخلي و امپریالیسم برای باصطلاح پایان دادن به "موجودیت" حزب توده" ایران از راه توسل مزور برخندیده رون حزب و رهبری آن و تشید پیکار در عرصه ایدئولوژیک در شکل جنگ روانی - تبلیغاتی، هیچگاه متوقف نشده و نتوخواهد شد.

توقف ادامه دارد

آنقلاب بهمن پیروز شد. ساوکها از ترس انتقام خلق هر یک به گوشدهای پناه برندند. آزادیهای دمکراتیک بمتابه" یکی از خواستهای اساسی نیروهای محركه" انقلاب برای متدی بطور نسبی مراعات شد. احزاب و سازمانهای غیر غم

حمله های مستمر چمقداران رژیم، توانستند فعالیت علی خود را سازمان دهند. تا آنکه با استقرار رژیم استبداد مذهبی قرون وسطائی، دوره نیزی سیری شد. نظامهای استبدادی در هر شکل و زیر هر پوششی - مذهبی و یا غیر مذهبی برای ادامه حیات خود، نیازمند مکانیسم واحدی هستند؛ ترور و اختناق. بخش مهمی از خبرهای تویین ساوکها، برای بکار اندختن این مکانیسم، به خدمت جمهوری اسلامی درآمدند. شعبه "ضد توده ای" ساواک" که هیچوقت منحل نگردیده بود و از آغاز فعالیت دولت موقت، در نخست وزیری متصرف شد، ترور و جنگ روانی - تبلیغاتی علیه حزب توده" ایران را ادامه داد.

از نخستین روز فعالیت علی و قانونی، حزب توده" ایران با انواع مظاهر جنگ روانی - تبلیغاتی روپرورد. ما شاهد بازتاب مهارزه "ایدئولوژیک" در شکل جنگ روانی - تبلیغاتی در روزنامه های دولتی و غیر دولتی، در "صد" و سیاسی جمهوری اسلامی" در مساجد و منابر، در نمازهای جمعه و... بودیم. اما حزب توده" ایران با امکانات محدود

رسی و مستقیم است. تبصره‌های ضمیمه "لایحه" بودجه مبالغ قابل توجه دیگر را نیز برای تأمین هزینه‌های ناشی از جنگ در نظر گرفته است. مثلاً در تبصره ۹ از اعتبار جاری برای خرید اقلام عده "دفاغی" سخن می‌رود. در بنده "ب" همین تبصره کفته‌ی شود، هیئتی مرکب از "نمایندگان شورای عالی دفاع و وزارتین دفاع و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" و نمایندگان نخست وزیر و وزیر امور خارجه و وزارت اطلاعات به عنوان شاور، این خریدها را تصویب خواهند کرد. بنده "ج" به این "نمایندگان" اجازه می‌دهد "در صورت عدم تکافوی اعتبار ردیف ۵۰.۳۴۱، مبلغ ۳۰۰ میلیارد ریال به اعتبار ردیف فوق و بندهای جدول تفصیکی اعتباری مزبور، از طریق اخذ وام داخلی بیفزایند.

هزینه‌های جنگ ویرانگر به اینجا هم خاتمه نمی‌یابد. تبصره ۹ مبلغی در حدود ۱۱۰ میلیارد ریال اعتبار باطلخواهی برای تأمین هزینه‌های ناشی از جنگ و تعهدات آن - پدافند غیر عامل، ساختمان پناهگاهها، پادگانها، فرودگاهها و "بازسازی و نوسازی ناسیمات صدمه دیده" - اختصاص می‌دهد. تنظیم کنندگان بودجه به این م اکتفا نکرده‌اند و در همان تبصره، کلیده "وزارت‌خانه‌ها و شرکتهای دولتی رامکلف می‌سازند تا "در صورت درخواست شورای عالی دفاع، طرحای مصوب آن شورا را در اولویت قرار داده، افراد و تجهیزات خود را در اختیار عملیات جنگی قرار دهند" (مراجعه شود به "اطلاعات" ۱۲، ۱۶ و ۱۶ اسفند ماه ۶۶).

کوتاه سخن، جنگ در جبهه‌ای بطول ۱۲۰۰ کیلومتر، دار و ندار کشور را، از نیروی انسانی گرفته تا منابع مالی و اقتصادی، خواهد باعید. طبیعی است که در چنین شرایطی نمی‌توان نه از رشد کشاورزی و نه از رشد صنعتی سخن به میان آورد.

لایحه "بودجه" سال ۶۷ رشد تولید کشاورزی را در اولویت (البته پس از جنگ) قرار داده است. مثلاً دستیاری به خود کفایی در زمینه "تولید محصولات کشاورزی، سالهایست که در دستور روز عملکرد دولت قرار دارد. طی ۹ سال اخیر هیچ لایحه بودجه‌ای تنظیم و تصویب نشده است که در آن "اولویت تولید کشاورزی" در نظر گرفته شود. اما، نتیجه چه بوده است؟ ورکست اقتصاد کشاورزی، ویرانی سدها رosta، مهاجرت جمعی روستائیان به شهرها و افزایش بی‌رویه "اهمی شهرا" به حساب روستائیان از هستی ساقط شده "حایله نشین".

در این اواخر برخی از دست اندکاران پیرامون رشد مستمر تولید کشاورزی سر و صدای زیادی کردن. هدف فریب مردم بود که با کمبود و گرانی بی‌سابقه مواد غذایی روبرو هستند.

صرف بخش عده "درآمد ارزی از طریق فروش نفت خام برای تأمین هزینه‌های جنگ ویرانگر می‌شود. امکان واردات مواد غذایی را محدود کرده است. مثلاً، در لایحه "بودجه" سال ۶۷، برای تأمین مواد کالاهای اساسی، مانند گندم، برنج، چای، شکر، گوشت و نیز نوشت افزار وغیره، ۲ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. علاوه بر این ۹۰۰ میلیون دلار هم برای تأمین خوارک دام و طیور و کود و سموم و

بودجه ۶۷ . . .

التصاصاد بیمار

لایحه "بودجه" سال ۱۳۶۷ که در اسفند ماه در مجلس شورای اسلامی مورد بحث قرار گرفت، بیانگریک اقتصاد بیمار و درحال اختصار است. جزء این هم نمی‌باشد انتقاد داشت. جنگ وادامه آن رونق اقتصاد کشور را کشیده است.

سعود زنجانی، وزیر برنامه و بودجه "ج" به هنگام توضیح پیرامون لایحه "بودجه" سال ۶۷ در مجلس شورای اسلامی، از جمله گفت، لایحه تحت تاثیر سه عامل تنظیم شده است، اولویت کامل جنگ و تأمین هزینه‌های لازم برای آن، نرخ بیش از حد معمول رشد جمیعت، محدودیت صنایع.

برای درک آنچه که زنجانی گفته است نیازی

به تخصص در رشته اقتصاد نیست. هر سه عاملی که وی مطرح کرده است، نظر ما را درباره "بیماری مژمن دامنگیر اقتصاد کشور به شدت می‌رساند. نرخ بیش از حد معمول رشد جمیعت و محدودیت منابع، حتی بدون جنگ، نیز از عوامل عده "بازدارنده" رشد اقتصادی بشمار می‌روند و یکی از "بیماریهای رایج در کشورهای آسیا و آفریقا" هستند. در ایران ادامه "جنگ نیز" به این دو عامل افزوده شده است.

موسی، نخست وزیر رژیم، ضمن ارائه "لایحه" بودجه به مجلس اظهار داشت که "جای پایی جنگ" را در تمام تصمیم‌گیریهای دولت می‌توان یافت. وزیر برنامه و بودجه نیز افتخار می‌کند که دولت اولویت را به تأمین هزینه‌های کمرشکن جنگ ویرانگر داده است.

طبق ارقام لایحه، هزینه "جاری دولت در سال

۶۷ ابتدای بیش از ۲۹۲۱ میلیارد بیش بینی شده بود. کمیسیون برنامه و بودجه مبلغ ۲۲۸ میلیارد ریال به آن اضافه کرد که بگفته "زنجانی عدتاً" جهت تأمین قسمی از هزینه‌های مرتبوطه جنگ" است. لایحه "بودجه" ۱۱۱ میلیارد ریال بعنوان بودجه "جنگ" و دفاع ملی در نظر گرفته است. افزون بر این، در سال ۶۷ مبلغ ۲/۲ میلیارد دلار ارز نیز، صرف هزینه‌های نظامی خواهد شد. آنچه که گفته شد، فقط هزینه‌های

دیگر ارگانهای سرکوبگر رژیم، جز سازمانهای آدمکشی فاشیستی نبوده و نیستند. وجود این نهادها و ارگانهایه دلیل قدرت رژیم، بلکه بیانگر ترس و ضعف آن است. بیچیک از آنها "اسرار آمیز"

نیستند. کما اینکه سیاری از اسرار آنها در اختیار احزاب و سازمانهای اپوزیسیون قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که این نهادها صرف صدعا

میلیارد ریال شبکه‌ای از مزدوران در داخل و خارج بوجود آورده‌اند. فقط بامراعات انصباوط و هوشیاری و رهنمودهای کمیته "مرکزی" است که مامی توانیم

توطه‌های ارتتعاج داخلی و امیریالیسم را خنثی کنیم. کمیته "مرکزی" اهمیت فوق العاده‌ای به رعایت پنهانکاری در حزب می‌دهد. همه "هاداران

حزب، در هر کجا و در هر مقامی که مستند، نهاید لحظه‌ای فراموش کنند که حزب در شایطمشقی و در

محاصره "دشمن" عمل می‌کند. در چنین شرایطی به استثنای مسائلی که در مطبوعات حزبی منتشر می‌گردد، همه "کارهای درون حزبی" پنهانی است. مراتعات این اصل مهم شرط اساسی در مقابله با جنگ روانی-تبليغاتی است.

پلنوم دیماه ۱۳۶۶ کمیته "مرکزی توطه" ارتتعاج و امیریالیسم علیه حزب توده" ایران را مورد بررسی قرار داد. در قطعنامه "پلنوم گفته می‌شود که دشمنان طبقاتی "از مدتها پیش جنگ روانی گسترده‌ای را علیه حزب توده" ایران آغاز کرده‌اند. آنها تلاش جدی دارند، تا از طریق "نام" جلوه دادن تشکیلات، "غیر انقلابی وغیر

دیگر اتفاقی" نشان دادن حزب، پرونده سازی، تروی معنوی رهبری حزب، تشویق خود محور بینی و چاه طلبی، بهره‌برداری از رقابت‌های ناسالم و دادن اطلاعات کذب و حتی جعل اسناد، به فریب اعضا و هاداران حزب در جهت تعییف سازمانهای حزبی بپردازند".

همه "شرکت کنندگان در پلنوم کمیته" مرکزی، بدون استغنا" به این ماده، همانند مجموعه "قطعنامه رأی دادند. این بدان معناست که رهبری حزب در مجموعه "خود این اعمال ناشایست را محکوم می‌کند و از فرد - فرد هاداران حزب می‌خواهد تا علیه جنگ روانی - تبلیغاتی با کمال قدرت مبارزه کنند.

چنانکه در قطعنامه "پلنوم نیز اشاره شده است "متأسفانه برخی از هاداران حزب ندانسته در این جنگ روانی شرکت داشته‌اند". این نیز طبیعی است. این رفقا که خواهان تأمین سلامت حزب هستند و در مواردی قادر به درک همه جانبه" نیات شوم باصلاح "مبارزان اصلاح حزب" نبودند ندانسته بدام افتادند. اما تجزیه نشان می‌دهد که روز بروز بیشتر به ماهیت توطه" دشمنان حزب بی می‌برند. به همین علت، قطعنامه مصوب پلنوم، حساب اینکونه رفقرا از مشتی خائنان به منافع حزب و طبقه "کارگر" جدا کرده است.

گروه ضد حزبی اخراج شده از صفو رهبری و حزب که زمانی مقاصد خود را زیر پوشش "اختلافهای سیاسی" و "اصلاح حزب"، پنهان می‌کرد، اینکن نقاب از چهره هبرداشته است. آنها بخش اندیشه‌نشانه تلاش می‌ورزند تا حزبی را که ادامه دهنده "کار حیدر عمو اغلیه"، ارانیها، روزبه‌ها، افضلی‌ها و ... است به لجن بکشند. این افراد از زدن انواع برجسب‌ها و تهمت‌های روحیه و تحریف آشکار تاریخ آن و پرونده سازی علیه اعضا" رهبری حزب اباضی ندارند. به هیچ وجه تصادفی نیست که "وزارت اطلاعات" دستور انتشار همه" متون توشندهای گروه ضد حزبی را در مطبوعات جاز چ.ا. و در بولتن‌های ویژه "فرماندهان نیروهای مختلف ارتش و سپاه صادر کرده است. انتشارات این آقایان را بدرورن زندانها می‌برند تا روحیه" توده‌ایهای دریند را تضعیف کنند. اما، هم در زندانها و هم خارج از آنها، اعمال کثیف این عناصر با خشم و نفرت روبرو بوده است. بایان کار اینکونه عناصر ضد حزب توده" ایران جز رسواشی و نابودی نخواهد بود.

یکی از حریمهای رژیم در جنگ روانی - تبلیغاتی "قدر - قدرت" نشان دادن ارگانهای سرکوبگر است. زمانی، خینی با صدور فرمان "مشروعیت جاسوسی" درون خانواده‌ها، کوشید تا ترس و وحشت را بر جامعه حاکم کند. "وزارت اطلاعات" به نقلید از "ساواک" "سعی می‌کند تا خود

جلوه دهد. اما، دز واقع هم "وزارت اطلاعات" و هم

درآمد "بازاریان محترم" و مالیات بر ثروت مانند گذشته اساساً تأمین نخواهد شد. صاحبان ثروت از میلیاردها سودی که می‌برند حاضر به پرداخت مالیات نیستند. حتی خود وزیر برنامه و بودجه در مجلس صریحاً به "عدم استفاده از پتانسیل مالیاتی موجود، علی‌الخصوص در رابطه با بخش بازارگانی و خدمات" اعتراف کرد و افزود: "لازم است در تقویت کوشش مالیاتی اقدامات هدایانه و مؤثری صورت پذیرد". چه مقامی جز دلت باید این وظیفه را انجام دهد و مخاطب وزیر برنامه و بودجه در این مورد چه کسانی جز مستثولان و وزارت داراشی و اقتصاد می‌توانند باشند؟

خلخالی در مخالفت بالایه "بودجه گفت": "پیش بینی شده است در سال آینده مبلغ ۵۰.۴/۲ میلیارد ریال مالیات وصول شد که مبلغ ۱۳۵ میلیارد ریال آن مالیات بخش دولتی و مقدار ۷۲/۲ درصد بقیه از محل شرکتهای خصوصی تأمین می‌شود. همه اینها بیلان کاذب و نوعی جایه‌جاشی است که وصول مالیات و تأمین بودجه" دولت بشمار نمی‌آید. بولداران و سرمایه‌داران، با هزاران تر فند از پرداخت مالیات شانه خالی می‌کنند و ترازنامه "خود را راه نمی‌دهند".

مسئله عدم امکان تأمین مالیات بر درآمد صاحبان ثروت از طرف اکثر نایاندگان مجلس شورای اسلامی مطرح شد. حاضر زاده مخبر کمیسیون برنامه و بودجه که قادر به پاسخگویی نبود گفت: "... روش کنید که این کار چگونه باید انجام شود؟ این مسئله به سازماندهی احتیاج دارد، بودجه می‌خواهد، باید کارمند و پرستل برای آن استخدام و قوانین موردنیاز تصویب شود". آنچه از مجموعه "این اتفاقات می‌تواند مورد قبول واقع گردد، نیاز به تصویب قانون و تأمین قدرت اجرایی متکی بر منافع زحمتکشان است. و چنین کاری در چارچوب شرایط موجود امکان پذیر نیست.

بنابر آنچه که گفته شد کسری بودجه" دولت به ۲ تا ۳ برابر کسری اعلام شده خواهد رسید. از آنجا که کسری بودجه از طریق استغفار از سیستم بانکی و یا صحیح تر گفته باشیم چاپ اسکناس بی پشت‌وانه" تولیدی تأمین خواهد شد، قیمت های بازه سیز معودی خواهد داشت و تورم تشید خواهد شد. بی‌سبب نیست که حسینی شاهروdi در مجلس سوال کرد: "در این بودجه آیا قدمی برای کاهش تورم و گرانی برداشته اید؟ اگر چنین است، بیان کنید". نه مخبر کمیسیون مجلس و نه وزیر برنامه و بودجه پاسخی به این سوال ندادند.

اقتصاد کشور در نتیجه سی کفایتی گردانندگان آن، عدم برنامه دقيق و حساب شده، سیاست ظمامیگری و از همه مهمتر عملکرد نظام سرمایه‌داری وابسته، خصلت تک کالائی خود را حفظ کرده است. امروز نیز مانند گذشته موجودیت رژیم وابسته به درآمد نفت و مالانوسایات بازار نفت و بهای آن است. بازاری با ارقام و کم و بیش کردن درصد درآمدهای بودجه هیچ تغییری در بحران اقتصادی و مالی نمی‌توان بوجود آورد. به این گفته "زنگانی" در "اطلاعات" ۱۲ اسفند سال ۱۴۶۶، توجه کنید: "... بدنهای کاهش شدید قیمت نفت از اوخر سال ۶۴ و اوائل سال ۶۵، امکانات

شد خلقی گردانندگان کنوبی کشیده بود. جالب است که در هیچیک از موارد پیش گفته در مورد افزایش هزینه‌های بودجه، محل درآمد آنها از سوی کمیسیون برنامه و بودجه تعیین نشده است.

در سال ۱۴۶۷ تیز سرمایه‌گذاری ثابت در سطح پایینی خواهد بود. بودجه" عمرانی صرف پروره‌های خواهد شد که از دوران رژیم گذشته به ارت رسیده است و سالهای است ایجاد آنها ادامه دارد. دولت قادر نخواهد بود در صنایع تولید وسائل تولید سرمایه‌گذاری کند. و استگی ژرف به جهان سرمایه‌داری ادامه خواهد داشت. بیکاری افزایش خواهد یافت.

طاھاتی، نایاندۀ مجلس شورای اسلامی، به هنکام بحث پیرامون آنچه که وی آن را "بهران بیکاری" نامید، از جمله خاطرنشان ساخت که دولت در لایحه "بودجه مبلغی برای "مسئله" اشتغال" در نظر گرفته است. در واقع هم در تبصره "۲ لایحه" بودجه مبلغ ۵ میلیارد تومان، "برای افرادی که توانایی کار دارند، ولی فاقد امکانات هستند" در نظر گرفته شده است تا باصطلاح "منابع سرمایه‌ای" برایش فراهم آید. کمیسیون برنامه و بودجه این رقم را به ۶ میلیون تومان افزایش داد. بودجه هم برای آنها هم برای دیگران فکر اساسی بودینسان برای ۵ میلیون بیکار مبلغی در حدود ۶ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. اینکه سالانه حدود ۷۰۰ هزار نیروی جدید وارد بازار کار می‌شود و باید هم برای آنها هم برای دیگران فکر اساسی کرد، مورد توجه قوه' مقتنه و قوه' مجریه نیست. همه می‌دانند که با فراهم آوردن "منابع سرمایه‌ای" نمی‌توان ۵ میلیون بیکار را بکار گیرد. چنین برخوردی به حل معضل اشتغال بیانگر چهل اقتصادی و بی‌کفایتی مستثولان است و جز عوامگریه هدفی را تعقیب نمی‌کند.

بودجه "تورو زا"

مطالعه ارقام مربوط به درآمد بودجه، و رشکست مالی رژیم را بیش از پیش بر جسته می‌کند. کل درآمد بودجه در لایحه" دولت ۱۴۶۹ میلیارد ریال بود. کمیسیون برنامه و بودجه می‌گذارد ۱۱۱ میلیارد ریال کل درآمدهای ابتدای ۲۲۲۹ میلیارد ریال رساند. با در نظر گرفتن اینکه کل هزینه‌های بودجه ۹۰ میلیارد ریال است، کسری بودجه سال ۱۴۶۹ به ۴۲۰ میلیارد ریال بالغ خواهد شد. البته این رقم رسی و مانند همیشه غیر واقعی است. زیرا ارقام مربوط به درآمدهای دولت تخلی است و بخش عده "آن هیچگاه تأمین خواهد شد.

لایحه" بودجه" سال ۶۷ مبلغ ۸۲۱ میلیارد ریال برای "اعتبارهای عمرانی" تعیین گرده است. ۱۱۱ میلیارد ریال (بدون در نظر گرفتن بودجه" عظیم نیروهای امنیتی و انتظامی) بودجه" جنگ و "دفاع ملی" و ۸۲۱ میلیارد ریال باصطلاح بودجه" عمرانی. ما می‌گوشیم باصطلاح، زیرا، چنانکه گفتیم بخش مهمی از اعتبارهای عمرانی نیز غیر مستقیم صرف هزینه‌های ناشی از جنگ خواهد شد.

بررسی اعتبارهای عمرانی در ۹ سال اخیر نشانگر سر نزولی آنهاست و این در حالی است که کل بودجه" کشور سال بسال رو به افزایش بوده است. سهم اعتبارهای عمرانی در کل بودجه در سال ۱۴۶۷ حدود ۴۲۰ درصد در نظر گرفته شده بود، در سال ۱۴۶۸ این رقم به ۲۹۰ درصد رسید و در لایحه" بودجه" سال ۱۴۶۹ سهم آن در کل هزینه‌ها ۲۱/۱ درصد خواهد بود. وزیر برنامه و بودجه در مجلس گفت، هزینه‌های عمرانی در سال ۶۷ به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۵۲ معادل ۱۰.۶ میلیارد ریال می‌گردد که پایین‌ترین سطح آن طی ۲۰ سال گذشته است. شاید به همین سبب کمیسیون برنامه و بودجه مبلغ ۲۶ میلیارد ریال به آنچه که دولت در نظر گرفته بود، اضافه کرده است. این رقم ناچیز را هم می‌توان با مبلغ ۳۰۰ میلیارد ریالی که کمیسیون برنامه و بودجه" برای خرید تجهیزات نظامی به بودجه" سام آور جنگ افزوده است مقایسه کرد و به مامیت سیاست

همچنین لوازم بدکی ماشین‌های کشاورزی پیش بینی شده است. این ارقام از طرفی ژرفای وابستگی کشور، از لحاظ تقدیمه، به خارج رانشان می‌دهد و از طرف دیگر واپس ماندگی اقتصاد کشاورزی را.

رشد تولید کشاورزی نیاز به ماشین آلات کشاورزی دارد و بکارگیری شیوه‌های مدرن کشت و داشت و برداشت را طلب می‌کند. ترخ رشد جمعیت در ایران بین ۲/۵ تا ۲/۷ درصد در سال است. بدیگر سخن، ایران در این زمینه در جهان در مقام اول را دارد. سالانه بیش از ۲ میلیون نفر تعداد کشاورزی کشور افزوده می‌شود. حتی اگر رشد تولید کشاورزی سالانه به ۴ درصد برسد، سالیان درازی ایران وارد کننده" مواد غذایی وغیره خواهد بود.

خود زنجانی می‌گوید: "کمبود کالاهای اساسی غذایی، از قبیل؛ کندم، گوشت قرمز و روغن نباتی و چای، در صورتی که تحول اساسی در رشد تولید کالاهای صورت نگیرد، در دهه‌ای آینده با توجه به رشد سریع جمعیت تشدید خواهد شد".

چه باید کرد؟ به نظر وزیر برنامه و بودجه" رژیم، باید تولید کشاورزی را رشد داد و الکوی مصرف را تنظیم کرد. رشد تولید از چه راهی؟ به گفته" آقای وزیر، هدف از اولویت دادن به کشاورزی (پس از جنگ)، عدم نیاز تولید کشاورزی به ارز است. بنابر این رژیم که در تولید ماشین آلات کشاورزی ناتوان است، لاید در صدد است تا با استفاده از شیوه" سنتی قرون وسطی تولید، (خشی و گاوآهن و ...) پنجاه میلیون ایرانی را تقدیمه کند.

از مجموعه" آنچه که گفته شد، فقط یک نتیجه می‌توان گرفت؛ ادامه" جنگ در تضاد آشکار باشد اقتصادی است. این دو مثل آب و آتش نمی‌توانند دریکجا بگنجند.

لایحه" بودجه" سال ۶۷ مبلغ ۸۲۱ میلیارد ریال برای "اعتبارهای عمرانی" تعیین گردید است. ۱۱۱ میلیارد ریال (بدون در نظر گرفتن بودجه" عظیم نیروهای امنیتی و انتظامی) بودجه" جنگ و "دفاع ملی" و ۸۲۱ میلیارد ریال باصطلاح بودجه" عمرانی. ما می‌گوشیم باصطلاح، زیرا، چنانکه گفتیم بخش مهمی از اعتبارهای عمرانی نیز غیر مستقیم صرف هزینه‌های ناشی از جنگ خواهد شد.

بررسی اعتبارهای عمرانی در ۹ سال اخیر نشانگر سر نزولی آنهاست و این در حالی است که کل بودجه" کشور سال بسال رو به افزایش بوده است. سهم اعتبارهای عمرانی در کل بودجه در سال ۱۴۶۷ حدود ۴۲۰ درصد رسید و در لایحه" بودجه" سال ۱۴۶۸ سهم آن در کل هزینه‌ها ۲۱/۱ درصد خواهد بود. وزیر برنامه و بودجه در مجلس گفت، هزینه‌های عمرانی در سال ۶۷ به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۵۲ معادل ۱۰.۶ میلیارد ریال می‌گردد که پایین‌ترین سطح آن طی ۲۰ سال گذشته است. شاید به همین سبب کمیسیون برنامه و بودجه مبلغ ۲۶ میلیارد ریال به آنچه که دولت در نظر گرفته بود، اضافه کرده است. این رقم ناچیز را هم می‌توان با مبلغ ۳۰۰ میلیارد ریالی که کمیسیون برنامه و بودجه" برای خرید تجهیزات نظامی به بودجه" سام آور جنگ افزوده است مقایسه کرد و به مامیت سیاست

خروج دنان

زنان کارگر و کارمند در بخش "ماتریل" اداره همکاری پرستاری تهران، به بهانه های کوناکرن، از جمله بدحاجانی، اخراج می شوند. این کارخانه در اختیار سیاه پاسداران است و تولید نظامی می کند.

اعتصاب در "ناز باف"

در مهر ماه ۶۶، کارگران "ناز باف" تهران، تولید کنندۀ انواع تریکو و کشاف، چند روز اعتصاب کردند. علت این بود که کارفرما می خواست آنان رایه اضافه کاری بدون مزد و اداره و هر کدام آنها با دوشیزه بافتند. اعتصاب کارگران به پیروزی انجامید. متعاقب اعتصاب، در چریان فتوای خمینی و فرمان ده ماده ای شورای عالی پشتیبانی جنک، مدیریت "ناز باف" اسمی ۱۷ نفر از کارگران را برای وقتی به چیزی به سیاه داد.

اعتصاب در کاشی ساری "نیلو"

خاتون آبادی، مدیر کارخانه "کاشی ساری نیلو"، قصد داشت از پرداخت حق بهادری کارگران، که مجموعاً به ۱۲۵ هزار تومان بالغ می شد، سرباز زند. کارگران این واحد همراه با "شورای اسلامی کار" دست به اعتصاب زدند و خاتون آبادی را از کارخانه بیرون اند اختند. به پشتیبانی کارگران، شورا مدیریت کارخانه رایه عهد کرفت. پس از یکماه و نیم خاتون آبادی با کمک وزارت صنایع به کارخانه بازگشت. وی باتکاً نیروهای سرکوبگر ابتدا شورا را منحل و شش نفر را بجای اعضاء آن انتصاب کرد. پس به اخراج اعضای شورا پرداخت و عده ای از کارگران فنی را تغییر شغل داد. همه این کارها در شرایط سرکوب و خفغان کامل انجام شد.

اعلامیه دولت شوروی ۰۰۰

اعلامیه دولت افغانستان در اعلامیه دولت افغانستان، که همانروز در کابل منتشر شد، آمده است که: رهبری پاکستان از تلاش خود برای پیوند دادن اضماری استان ژنوبا تشکیل به اصطلاح دولت موقت در افغانستان دست ہر داشته است. اما مسئله آشی ملی و تشکیل دولت انتلافی موضوع گفتگوهای ژنو نبوده و نیست و اینکونه مسائل، بدون هر گونه دخالت خارجی باید توسعه خود افغانهاش شود. رهبران آمریکا و پاکستان می توانند گفتگوهای ژنو را پرهم ژنند و رنچ های مردم افغانستان را طولانی تر کنند، اما نمی توانند چلوی کسترش روند آشی ملی را پکیرند.

در بیان اعلامیه دولت افغانستان کفته می شود: گفتگوها در ژنو ادامه دارد، هنوز امکان برداشتن گام قاطع طرفین بسوی یکدیگر موجود است پس از اینجا اتفاق نمی آید. لایحه مودجه سال ۶۷، فقر و تنگدستی، بیکاری و دربداری را تشید خواهد کرد.



اعتصاب کارگران در معدن تزره

در آبانماه سال گذشته کارگران معدن تزره بخاطر تعویق در پرداخت حقوق، دست به اعتصاب زدند و به خواست خود رسیدند.

موضوع از این قرار بود که کارگران شاغل در معدن تزره - که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز شرقی و ایستاده صنایع ذوب آهن است - در بیت تعویق در پرداخت حقوق، دست از کارگران کشند و در مقابل یکی از تونلها گرد می آیند و خواستار پرداخت بی درتنگ حقوق معوجه خود می شوند. بلا فاصله ناینده کارفرما در محل حاضر می شود و شروع به توجیه غیر منطقی علیل دیر کرد پرداخت حقوق می کند و از کارگران تقاضا می کند به سر کار خود بازگردند. ولی کارگران، مصمم و متحده، دست رده برازگردند. کارگران از جمله در پاسخ به این توجیه ناینده کارفرما که علت دیر کرد را اجرای طرح طبقه بندی مشاغل عنوان می کرد، هشیارانه گفتند: "چطوره که حقوق پرستن اداری و مهندسان که نسبت به مایشتر است، پرداخت می شود، ولی چند رغاز حقوق ما که در شرایط پرستن سخت و بدتری قرار داریم، پرداخت نمی شود".

پس از این گفتگوها، کارگران اعلام داشتند که اگر به خواست آنها گردن گزارده شود، دامنه اعتصاب رایه همه معدن که بیش از سه هزار نفر کارگر دارند، می کشانند. در بیت اعلام این تهدید جدی و مشاهده عزم راسخ کارگران در ادامه مبارزه بود که کارفرما به خواست کارگران تسلیم شد.

این اعتصاب کوتاه، ولی موفقیت آمیز، نتیجه عزم و اراده، اتحاد عمل و هشیاری کارگران بود. کارگران و زحمتکشان در راه مبارزه بخاطر دستیابی به خواسته ایشان باید از آن درس بگیرند.

اعتصاب کارگران لیفتراگ صنایع چوکا

در "صنایع چوکا" کارگران قسمت لیفتراک تو انسنده بخشی از خواستهای خود دست یافند. در مهر ماه ۶۶، کارگران برای تائین خواسته ایشان اعتصاب کردند. مدیریت کوشید با وعده و عید اعتصاب را درهم بشکند، اما موافق نشد. مدیریت در بنده و بست با "شرکت کارتون ایران" کوشید تا کارگران قسمت لیفتراک این کارخانه را چند روزی در "صنایع چوکا" به کار جلب کند. کارگران "کارتون ایران" که دست او را خواهند بودند، حاضر نشند که با کار موقت در "صنایع چوکا" زمینه شکست اعتصاب همکار انشان را فراموش کنند. کارگران اعتصابی با ادامه مبارزه با کارفرما انجام توانند اورا و اداره به پذیرش بخشی از خواسته ایشان کنند.

طبیل بزرگ

عصر سلام و چای و سو، تفاهم
عصر حضور مخفی
در خوش

عصر کلام زخم
عصر هراسname بعد از ظهر

هر هر ستون به کینه تورا پسته اند
و صف کشیده اند در هر ابر تو چوخه هایی
از کلمات

مرگ خبیده در خم هر زانو
انسان چشیر حیران

درا بر های آتش
انسان پایی زخم که هر سنگلاخ می گذرد

آیا
پایان قلب بی نهایت ما نیست عصر؟
در شب سرد صدائی است

*

باران ریز

باد

نشتر سردی که بی صدا
هر زخم کهنه چنگ می اندزاد

درنای خسته ای که به گمگشته مه
هر هر گدار پسته نظر می کند
مردی که در حریق سفر می کند

*

وقتی بهار

یکشه

پائیز می شود
از قتل عام کلها

حرفی نمی زند مفسرها
آنها به آسپرین

و شربت سیاه سرفه می اندیشنند

*

بیداری پزرس و طبل بزرگ است عصر
چلال سرفراز ۲۲ فروردین

** ارزی کشور و به دنبال آن امکانات ریالی دولت، دچار محدودیت شدید شد. آقای وزیر به آنچه که ما درباره "استنکی اقتصاد کشور به درآمد ثابت و مالا به انحصارهای نفتخوار می گوییم" صحه می گذارد. هم او به صراحت اعتراف می کند که "نظام مقدس جمهوری اسلامی هنوز موقن شده است با رفع "معضلات مربوط به فضای برناهه ریزی" برنامه ای "تبیه، تنظیم، اجر و نظارت" کنند. تازه کارگران قسمت لیفتراک این کارخانه را چند روزی در "صنایع چوکا" به کار جلب کند. کارگران "کارتون ایران" که دست او را خواهند بودند، حاضر نشند که با کار موقت در "صنایع چوکا" زمینه شکست اعتصاب همکار انشان را فراموش کنند. کارگران اعتصابی با ادامه مبارزه با کارفرما انجام توانند اورا و اداره به پذیرش بخشی از خواسته ایشان کنند.

ترددیدی نیست که در شرایط حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" هیچگاه چنین امکانی بوجود نخواهد آمد. لایحه مودجه سال ۶۷، فقر و تنگدستی، بیکاری و دربداری را تشید خواهد کرد.

اعتراض به توطئه قتل زندانیان سیاسی

به دنبال افشاری تدارک قتل ۷ زندانی سیاسی، روز بیست و چهارم فوریه، هوداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در انگلستان تظاهرات ایستاده مشترکی را در بیاده روی روپرتو شعبه پانک ملی ایران در لندن سازمان دادند.

در این تظاهرات مشترک نایندگان نیروهای متفرقی از ترکیه، عراق شیلی، بریتانیا و فلسطین نیز حضور داشتند و ضمن محکوم کردن اعمال ضدانسانی رژیم جنایتکار "ولایت فقیه"، خواستار آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران گردیدند.

نایندگان "کیتیه دفاع از حقوق مردم ایران" در بریتانیا و "کیتیه نجات چان زندانیان سیاسی ایران" نیز از جمله شرکت کنندگان این تظاهرات بودند.

اعلامیه مشترکی هوداران حزب، فدائیان خلق، ایران (اکثریت) در

اعلامیه مشترک هواداران حزب و فدائیان خلق ایران (اکثریت) در



انگلستان، میان مردم واپر اینیاں مقیم انگلستان وسیعا پخش شد.

نمودهای قازه
سیاست جهانسالاری نوین

دخلات های وقیحانه دولت آمریکا در امور داخلی پاناما از سوی واعزام تحریرک آمیز سرهازان آمریکائی به هندوراس و مستقر کردن اینها در نزدیکی مرزهای نیکاراگوئه از سوی دیگر چلههای نوبنی از تحقیق سیاست چهانسالاری نوین (نهوکلوبالیسم) دولت آمریکاست. این سیاست که در واقع باید آنرا سیاست صدور ضد انقلاب نامید، تاکنون در بسیاری نقاط جهان به مورد اچرا گذاشته شده است ولی آنچه که اکنون بپردازیم پاناما و نیکاراگوئه صورت میگیرد بقدری در تضاد با موازنین پذیرفته شده در مناسبات دولتهاست که بحق سراسر جهان را نگران ساخته است.

روزنهم مارس، روزنامه مکزیکی "دیا" زیر عنوان "نقشه ایالات متحده آمریکا برای تیثات کردن پاناما" محتوای سندي را که به آن دسترسی پیدا کرده بود فاش ساخت. این سندر در اکتبر سال ۱۸۷۷ توسط کارشناسان "سیا" تدوین شده است.

هدف طراحان این سند انداختن یانا مادر
مسیر سیاسی مورد تمایل ایالات متحده در
آمریکا، مکنی، بیده است.

در این برنامه، چهار مرحله برای خراپکاری در پاناما پیش بینی شده بود که تحقق آنها بقید دست نمود.

کیکهای مالے (سیدھے)

- ۱-ت از آلمان غربی ۷۰ مارک
مهر کان از راه دور ۱۰۰ مارک
هوادار از سنت لوئیز ۸۸ دلار

اعلامیہ دولت شوروی دربارہ مذاکرات افغانستان و پاکستان

افغانستان با مسائل داخلی، یعنی تشکیل یک دولت چدید در افغانستان، دست برنداشته است. به دیگر سخن کوشش برای سواستفاده از گفتگوهای ژنو برای دخالت در امور داخلی افغانستان دنهال می‌شود. و به این واقعیت آشکار، که تنها افغانی‌ها می‌توانند درباره مسائل داخلی خود تصمیم بگیرند و هیچکس حق ندارد هیچ تصمیمی را به آنان تحمیل نماید، بی‌اعتنایی می‌کنند.

از سوی پاکستان و همچنین آمریکا شرایط دیگری نیز مطرح میشود که ارتباطی با گفتگوهای ژئو ندارد و هدف از آنها اینست که به اتحادشوری و افغانستان دیکته کنند که چگونه وابط مقنایا با گردیگ داشته باشند.

یا کستان و ایالات متحده که راه به تاخیر و تعویق انداختن توافقها را در بیش گرفته اند، در عین حال اعلام مکنند که خواهان آغاز

بیرون بردن سربازان اتحادشوری از پانزدهم ماه
مه هستند. این موضوع دست کم شکفت اندکیز است،
زیرا اتحادشوری و افغانستان آن تاریخ را بادر
نظر گرفتن اینکه استاد تا ۱۵ مارس امضا خواهد
شد، تعین کرده‌اند. اما اینکار انجام نشده است.
کسانیکه فکر میکنند می‌توانند امضا استاد را
قر قدر بخواهند به تأخیر بیندازند ولی از میخواهند
که از پانزدهم ماه مه بیرون بردن سربازان را
آغاز کنیم سخت در اشتباهند. هر اندازه که
امضای استاد به تأخیر افتد، به همان اندازه
آغاز بیرون بردن پکان‌های ارتش شوروی نیز به
تأخید خواهد افتاد.

در پایان اعلامیه اظهار امیدواری شده است که پاکستان و ایالات متحده آمریکا مسئولیت خود را درک کنند و حل مسئله ایرا که مردم افغانستان و خلقهای جهان در انتظار آنند به تاخید نبینندند.

روز سه شنبه ۱۵ مارس (۲۵ اسفند) دولت اتحاد
شوری اعلامیه‌ای پیرامون گفتگوهای غیرمستقیم
افغانستان-پاکستان در ذنوب منتش کرد.

در این اعلامیه گفته می شود: روز دوم مارس دور تازه گفتگوهای غیرمستقیم هرای حل سیاسی مسائل بی رامون افغانستان، با وساطت نایبینده شخصی دبیرکل سازمان ملل متعدد آغاز شد. مجموعه وضع در آستانه گفتگوها حاکی از این بود که این دور از گفتگوها می تواند واپسین دور باشد. در اعلاطیه های میخانه ای کارها چاف، دبیرکل کیتیه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و نویب الله، رئیس جمهور افغانستان گفته شده بود که بیرون ہردن یکان های ارتش شوروی از افغانستان به شرطی که امضا اسناد ژنو تا ۱۵ مارس انجام شود، از پانزدهم ماه م آغاز خواهد گردید. این مهلت دو ماهه هرای تصویب و توشیح آنها توسط ارگان های ذی صلاحیت دو کشور د. خدابنده است.

در نخستین روزهای آغاز دور جدید گفتگوها، در سایه موضع سازنده نایاندگان افغانستان طرفین توافق کردند که پرون بردن یکان‌های ارتش شوروی در مهلتی نه ماهه پایان پذیرد و در عین حال پیش از نیمی از آنان طی سه ماهه نخست افغانستان را ترک کنند. هنظری رسید که برای امضا اسناد دیگر مانع وجود ندارد، بهخصوص که تدوین نهايی آنها پيش از آغاز دور تازه گفتگوهای ادامه دارد.

ام و پس در گفتگوهای ژنود راستای دیگری
افتاد و طی ده روز آخر عمل کاری انجام نشد.
هیئت نایاندگی پاکستان اعلام کرد که
نه تو اند استاد را امضا کند و با توصل به چمیع
وسایل کوشید مسائل کاملاً روشن را پغرنج کند و
تم اتفاق های قبیل را دور بزند.

تا امروز (۱۵ مارس) پاکستان هنوز از تلاش خود برای بیویند دادن حاصل نمی‌شود.

جهة متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است.